

گفت‌وگو با شادی غفوریان هنرمند تئاتر مشهد و کارگردان فیلم کوتاه «سرخاب سفیدآب»

ساخت اولین فیلم مستقل مانند پریدن در استخر آب یخ است

- از روزمرگی تا رنج‌های ساختاری

هنرمند حوزه تئاتر و تصویر که تمرکز هنری خود را بر محوریت زن تعریف می‌کند، می‌گوید: دغدغه‌ام عمدتا مسائل مرتبط با زنان است؛ از روزمرگی‌های زنانه گرفته تا جزئیات زندگی آن‌ها در عرصه‌های مختلف تاریخی و اجتماعی. این دغدغه‌گاه در قالب زنان طبقه متوسط و گاه در قالب مصائب زنان کم‌برخوردار در اقتصاد ناخوشایند و اجتماع دردمند امروز خود را نشان می‌دهد. غفوریان با اشاره به موضوع محوری اثر جدیدش، فیلم کوتاه «سرخاب سفیدآب» بیان می‌کند: تمرکز اصلی بر «زن و زنانگی» استوار است و علی‌رغم قدمت تاریخی، همواره در هاله‌ای از تابوهای جنسیتی، فرهنگی و عرفی قرار داشته است.

گذار از تئاتر به سینما؛ از لنز نرمال تا ماکرو این کارگردان که پیشینه فعالیت در تئاتر را دارد، تغییر رویکرد خود را با استعاره‌ای از دنیای لنزها توصیف می‌کند و می‌گوید: اگر بخواهم به زبان تصویری صحبت کنم، باید بگویم من نویسنده و کارگردان تئاتری بودم که برای خلق نمایش، گویی دوربینی با لنز نرمال همراه بود، اما در فیلم «سرخاب سفیدآب» توانسته‌ام لنز ماکرو را بر دیدگانم بگذارم تا به سوژه خود، تا آنجا که می‌خواهم نزدیک شوم. او با قدردانی از اصالت تئاتر آن را «خانه» خود می‌نامد و سینما را تجربه‌ای برای بیرون رفتن از خانه جهت یافتن تجارب جدید توصیف و بیان می‌کند؛ سینما جادویی دارد که آموزش‌های تئاتر را به شکلی متفاوت در اختیار هنرمند قرار می‌دهد.

- بی‌شک یک پای ماجرا می‌لنگید...

ساخت اولین فیلم مستقل برای من مثل پریدن در استخر آب یخ بود» غفوریان با بیان این نکته در ادامه می‌گوید که این تجربه مدیون حمایت‌های استادش محمدصادقی و همراهی صمیمانه همکارانی چون فاطمه توانا و خانواده‌اش است که در شرایط سخت تولید و بی‌خوابی، او را تنها نگذاشتند تا بتواند با تجربه‌ای نو، تصویری از «رنج زن» را خلق کند. غفوریان به نقش حیاتی فاطمه توانا به عنوان بازیگر اصلی فیلم که (برخاسته از صحنه نمایش در مشهد است) درباره بهره‌گیری از بازیگران تئاتر در فیلم خود می‌گوید: توانا برگ برنده در این پروژه است، کلیت تولید فیلم یک طرف و اطمینان از اینکه چه کسی می‌تواند ذهنیت من را به تصویر بکشد، طرف دیگر بود. توانا سال‌هاست که از فضای تئاتر و سینما فاصله گرفته، اما گفت‌وگوهای نقادانه و درک مشترکمان از فیلم‌نامه باعث شد او با همدلی تمام، برای ایفای نقش اصلی علی‌رغم اینکه

درشهر دیگری سکونت دارد به مشهد بیاید.

او بازیگری در تئاتر و سینما را این‌گونه تعبیر می‌کند که بازیگر تئاتری، با داشتن عضله‌های احساسی قدرتمند، می‌تواند در سینما بسیار دقیق عمل کند، به شرط آنکه بداند چگونه این قدرت را کنترل و ریز کند. قدرت بازیگران تئاتری در سینما، زمانی شکوفا می‌شود که آن‌ها از نمایش دادن احساس به سمت تجربه کردن احساس حرکت کنند، جایی که دوربین، شاهد یک اتفاق است، نه تماشاگر یک نمایش. تأکید بر توانمندی‌های فنی بازیگران تئاتر دیگر نکته این کارگردان جوان است و تأکید می‌کند: اگر بازیگری مانند فاطمه توانا نمی‌آمد، بی‌شک یک پای ماجرا می‌لنگید. او چنان مسلط و قدرتمند است که در سخت‌ترین صحنه‌ها، هم از نظر بیان احساس و میمیک و هم از نظرعایت نکات فنی و تکرار برداشت‌ها، بازی‌اش دقیق و اندازه بود. حضور او برای شهری مثل مشهد یک موهبت است، هرچند که او چندسالی است این شهر را ترک کرده است.

گفت‌وگوی روز

طنین همتی اسپنمای کوتاه ایران در سال‌های اخیر، فرصت خوبی برای کارگردانان جوان بوده تا دغدغه‌های خود و جامعه‌شان را روایت کنند. یکی از این دغدغه‌های مهم، زندگی زنان است، موضوعی که کمتر با نگاه صریح و بی‌پرده به آن پرداخته شده است.

تازه‌ترین نمونه، فیلم کوتاه «سرخاب سفیدآب» است؛ نخستین تجربه شادی غفوریان در قامت نویسنده و کارگردان که تصویربرداری آن تازه به پایان رسیده و اکنون در مرحله تدوین است. این فیلم که با حمایت انجمن سینمای جوانان (دفتر مشهد) ساخته شده،

- تئاتر تنها برای «عاشقان» است

غفوریان با مقایسه تجربه فیلم‌سازی و تئاتر در مشهد، معتقد است، با وجود چالش‌ها، سینما مسیر هموارتری دارد. فیلم‌سازی در مشهد، اگر با اضطراب مالی و زمانی روبه‌رو نباشید، بسیار هموارتر از تولید نمایش است. اما مسیر تولید و اجرای تئاتر همچنان برای هنرمندان مشهد، سنگلاخی و ناهموار است. این حجم از سختی را تنها عاشقان تئاتر تحمل می‌کنند؛ عشق و شوریدی خانواده تئاتری مشهد، تنها منطق دوام آوردن آن‌هاست.

و همچنین بر این عقیده است که یکی از بزرگ‌ترین خطاهای کارگردانان تازه‌کار، تلاش برای تئاتر کردن سینماست؛ یعنی آوردن بازی‌های بزرگ، اغراق‌آمیز و حرکات وسیع صحنه به کادر کوچک و نزدیک دوربین. اگر کارگردانی بخواهد همان انرژی تئاتری را با همان ابعاد در سینما بازنمایی کند، کادر سینما را خفه می‌کند. سینما، کالبد ظریف و حساس خود را دارد. در سینما، حتی یک لرزش کوچک پلک یا تغییری در دم و بازدم بازیگر،



قابل توجه ارزیابی می‌شود.

فصل دوم «سرو، سپید، سرخ» در حالی به پایان رسید که انتظار می‌رفت این تجربه که حالا روی فلنک افتاده و در شرایط غیرچنگی ساخته شده، تجربه‌ای تا حدی تازه به حساب می‌آمد. این شیوه سریال‌سازی، مناسبات حرفه‌ای متفاوتی را به پروژه «سرو، سپید، سرخ» و حتی به معادلات تولید سریال در تلویزیون تزریق کرد و به‌گروه تولید اجازه داد که در یک مجموعه واحد، چند نگاه و چند زبان سینمایی را، با حفظ وحدت فرمی و مضمونی، کنار هم قرار دهند.

- انتظارات بالا

پخش فصل دوم این سریال، به تهیه‌کنندگی محمد جواد موحد و محمدرضا شفاه، اواخر مردادماه از شبکه اول سیما آغاز شد؛ آن‌هم در شرایطی که توقع مخاطبان از فصل نخست این مجموعه موفق بسیار بالا رفته بود. طبیعی به نظر می‌رسید که فصل تازه این مجموعه، پیش از هر چیز، با فصل موفق قبلی مقایسه شود و مردم در پی این باشند که رشد کیفی معناداری را در آن ببینند.

این فصل که حدود یک ماه مهمان خانه‌های مردم بود اما، با وجود اینکه بار دیگر مجموعه‌ای از کارگردانان حرفه‌ای و صاحب‌نام را گرد هم آورده بود، نتوانست چندان موفق‌تر از فصل قبل باشد. چهره‌هایی از جمله حسین مهکام، محمدرضا خردمندان، علیرضا صمدی، امیر داسارگردانش، اقباشاوی و امیر ابیلی، عملکرد استاندارد را در قسمت‌های فصل دوم ارائه کردند. اما برابند کارشان تقریباً هم‌تراز فصل قبلی و فاقد جهشی

می‌تواند بار معنایی عظیمی را منتقل کند که در تئاتر، به دلیل فاصله مخاطب از صحنه، نادیده گرفته می‌شود.

- مشهد باید میزبان هنر باشد

این‌فعال در هنرنمایش وتصویر با اشاره به وضعیت حمایت از هنرمندان در مشهد، ساختارهای موجود را عامل فراری دادن استعدادها می‌داند و بیان می‌کند: شورشخانه، شهر من با هنرمندانش مهربان نیست. ساختارهای بوروکراسی و اداری، از مجوزهای کوتاه مدت گرفته تا مشکلات سالن‌ها، پر از دست‌انداز و آزار است. او به این پرسش‌های بی‌جواب اشاره می‌کند که این شهر پر از استعداد است، چرا باید به خاطر بی‌مهری و کونه‌فکری برخی، هنرمندانش را گریزان کند؟ چرا بهترین استعدادهای مشهد در حوزه‌های بازیگری، کارگردانی و موسیقی، خسته می‌شوند؟ این شهر که همیشه میزبان بوده، چرا باید اجازه دهد هنرمندانش به بهای نامیزبانی، به پایتخت و شهرهای دیگر مهاجرت کنند؟

نگارستان

نمایشگاه آثار خوش نویسی «حدیث آرزومندی» در نگارخانه رضوان برگزار می‌شود
ماحصل ۲۵ سال مشق خوش نویسی



ریحانه موسوی انمایشگاه آثار خوش نویسی فائزه ایزدی با عنوان « حدیث آرزومندی»، این روزها در نگارخانه رضوان میزبان علاقه‌مندان به این هنر است. در فضای نمایشگاه، قاب‌ها یکی پس از دیگری روی دیوار قرار گرفته‌اند و درون هر قاب، ترکیبی از خط و نوشته دیده می‌شود. نورپردازی ساده و فضای خلوت نگارخانه باعث شده توجه مخاطب بیشتر به خود آثار و ظرافت حروف جلب شود. در این مجموعه، خوش نویسی تنها برای خواندن کلمات نیست؛ فرم و ترکیب حروف نیز بخشی از زیبایی آثار را شکل داده و مخاطب را به مکت و تماشای بیشتر دعوت می‌کند.

فائزه ایزدی، هنرمند خط‌شکسته نستعلیق، درباره شکل‌گیری نمایشگاه خود گفت: چهل اثر در این نمایشگاه وجود دارد که ماحصل حدود ۲۵ سال تمرین و مشق کردن من است. در این سال‌ها مجموعه‌ای جمع‌آوری شد، که تصمیم گرفتم آن را به نمایش بگذارم. تذهیب این آثار هم توسط الهام بیگ زاده، فاطمه رضوانی و لیلا اعلمی انجام شده است.

وی درباره چرایی نام‌گذاری نمایشگاه خود توضیح داد: «حدیث آرزومندی» از اشعاری است که در آثار حاضر در این نمایشگاه استفاده شده و بخشی از شعر حافظ است. این عنوان، به‌نوعی حدیث سال‌های طولانی مشق کردن من و عین شدن آن با لحظات زندگی‌ام است. سعی کردم مجموعه‌ای از ادبیات فارسی را در این نمایشگاه گردآوری کنم و از اشعار شاعران معاصر تا قرون گذشته در آثارم بهره گرفته‌ام.

این هنرمند به تشریح وضعیت هنر خوش‌نویسی در مشهد از زمانی که آن را شروع کرده و تاکنون پرداخت و اظهار کرد: قطعاً خوش‌نویسی در شهرمان پیشرفت داشته. اما با حمایت مسئولان مربوط از هنرمندان و فراهم کردن بستری مناسب برای دیده شدن آثارشان، وضعیت این هنر بهتر خواهد شد. هنرمندان در مشهد، به هیچ وجه نمی‌توانند برای درآمدزایی به این هنر اتکا کنند و فقط برای لذت و علاقه خودشان می‌توانند به آن بپردازند. امکان دارد این نمایشگاه در شهرهای دیگر نیز برگزار شود، اما هنوز هماهنگی‌های لازم صورت نگرفته است. ایزدی ادامه داد: در انتخاب بسیاری از اشعار سعی می‌کنم تا مناسب حال بیننده باشد و احساس آن‌ها را نیز در نوشته‌هایم گنجانم و تلاش دارم تا حال خوب خودم هنگام نوشتن را به بیننده منتقل کنم.

اخبار هنری مشهد

راهیابی یک فیلم از مشهد در ۲ جشنواره ملی و بین‌المللی



فیلم «گلدان آیدا» به نویسندگی فاطمه یاسمی و کارگردانی جواد علی‌زاده در بخش مسابقه پانزدهمین جشنواره ملی فیلم ۱۰۰ و نیز در بخش مسابقه فیلم‌های کوتاه، داستانی سی‌وهشتمین جشنواره بین‌المللی کودک ونوجوان اصفهان پذیرفته‌شده است. ماهان راد، یاسمینا خلیلی و امید جواهریان پارس از بازیگران این اثر هستند.

فیلم کوتاه «درخت» به جشنواره بین‌المللی انگلیسی راه یافت



فیلم کوتاه «درخت» به نویسندگی، کارگردانی و تهیه‌کنندگی علیرضا خیری از هنرمندان مشهدی در دهمین دوره رویداد بین‌المللی Filmmaker Sessions به عنوان اثر منتخب پذیرفته شد. «درخت» اثری تجربی است که با قرار دادن شخصیت‌های خود در موقعیتی ساده و روزمره، به مفهوم تنهایی و نسبت آن با رضایت و خوش‌حالی انسان می‌پردازد.

چارسوق هنر

مشهد، تهران و آبادان در جمع مستندهای جشنواره فیلم کوتاه تهران



۲۷ فیلم مستند برای حضور در بخش مسابقه مستند چهل و سومین جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران انتخاب شدند. آثاری از فیلم‌سازان شهرهای مختلف کشور در این رقابت حضور دارند. به گزارش شهرآرانیوز: آثار مستند راه یافته به بخش مسابقه ملی این جشنواره با انتخاب حامد شکباینیا، محمد علی فارسی و محمدرضا فرطوسی معرفی شدند.

در میان آثار منتخب، فیلم‌هایی از فیلم‌سازان مشهد، تهران، ساری، خمینی‌شهر، بندرعباس، شیراز، میناب، پاوه، آبادان، مرودشت و دزفول دیده می‌شود. «روز زمین مبارک» ساخته کمیل سهیلی، «بی وزیر» به کارگردانی الهام آقارلی، «طعم باروت» ساخته هادی ثابت شوکت‌آباد، «ماه مثل ماهروز» به کارگردانی مهدی رجبیان، «صفر مرزی» ساخته محمد طالبی و «دختری از نوار ساحلی» به کارگردانی مهدی فلاحي از جمله آثار راه یافته هستند.

همچنین «پسر تالاب»، «مادران کوهستان»، «دژ نو»، «هوران»، «احتضار»، «تاجدار»، «مزه پشم»، «سرخ پوش»، «آن سوی درختان»، «نجوای چیزها»، «آرش در قلمرو ما»، «شاعر خشت» و «آن روز و شب همان روز» در این بخش به رقابت می‌پردازند. «شاید یک مرگ ناخواسته» ساخته زنده‌یاد دلاور دوستانیان نیز در فهرست آثار منتخب قرار دارد.

چهل و سومین جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران به دبیری بهروز شعبانی از ۲۵ تا ۳۰ مهر ۱۴۰۵ در پردیس سینمایی ملت برگزار می‌شود.

شهریار

SHAHRAHANews.IR



شهریار